

همکاری رضاخان با دولت استعماری انگلیس در انعقاد قرار داد ۱۹۳۳م

روح الله بدری

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

یکی از قراردادهای یا امتیازاتی که در دوران حکومت پهلوی با بیگانگان و خصوصاً دولت استعماری انگلیس منعقد گردید، انعقاد قرارداد یا امتیازی جدید به نام قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش می باشد. برای انعقاد چنین قراردادی نگرینی زمینه سازی های زیاد و ایجاد فضای سیاسی بسیاری که نخستین آن قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ م/ ۱۲۹۸ ش بود، انجام گردید. وقتی انگلیسی ها نتوانستند آن قرارداد را عملی سازند، روح آن قرارداد را در قالب کودتای ۱۲۹۹ ش/ ۱۹۲۰ م ریخته، با سلسله مقدماتی دست به ایجاد حکومتی وابسته به نام حکومت پهلوی زدند. نخستین پرده ی این نمایش خلع احمد شاه و انقراض سلسله ی قاجار بود. تمام منظور و مقصود انگلیسی ها از تقویت رضاخان و روی کار آوردن او این بود که منافع اقتصادی و سیاسی آنها از هر جهت تامین شود و روح قرارداد ۱۹۱۹ م/ ۱۲۹۸ ش را به صورت جدیدتری زنده سازند و این صورت جدید الغای قرارداد داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش بود که میان ایران و انگلیس منعقد شد که به موجب آن شرکت نفت ایران و انگلیس فعالیت خود را آغاز کرد و مورخان براین عقیده اند که مضررات قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش بیشتر از قرارداد داری بوده، انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش را یکی از اشتباهات بزرگ رضاخان می دانند. **کلیدواژه ها:** قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش، رضاخان، انگلیس، قرارداد داری، شرکت نفت ایران و انگلیس.

مقدمه

نخستین امتیازی که برای استخراج منابع زیرزمینی ایران از جمله نفت اعطا شد، در سال ۱۸۷۲ م/ ۱۲۵۱ ش به بارون جولوس دو رویتر بود، مدت قرارداد ۷۰ سال و به امتیاز گیرنده در قبال پرداخت ۱۵ درصد از عایدی خالص، حق اکتشاف و استخراج از کلیه ی معادن و منابع زیرزمینی ایران را که مناسب می دانست نسبت داده شده بود. دومین قرارداد یا امتیاز در سال ۱۹۰۱ م/ ۱۲۸۰ ش قراردادی بود که داری طی امتیازی که از دولت ایران گرفته بود، حق انحصاری، اکتشاف، استخراج و بهره برداری از نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی و احداث انحصاری خط لوله در تمام کشور بجز ۵ ایالت شمالی را به خود اختصاص داد. داری متعهد شد طی دو سال شرکتی برای بهره برداری از نفت ایران تشکیل و در مقابل ۲۰ هزار لیره نقد و معادل همین مقدار سهام به دولت ایران تحویل دهد. حال با این مقدمه ی کوتاه به بررسی مختصر و گذرایی در مورد قرارداد داری پرداخته می شود، چرا که قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش در واقع در ادامه قرارداد داری می آید، یعنی بحث تمدید قرارداد داری است که منجر به قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش می شود و می توان به نوعی قرارداد داری را مقدمه یا پیش درآمد قرارداد جدید دانست.

بحث

امتیاز داری و جریان تحصیل آن

در باب بدست آوردن امتیاز داری افسانه شگفت آمیزی منتشر شده است که هیچ مبنا و اساسی ندارد و به اندازه ای متناقض و اغراق آمیز است که باور کردن آن برای شخص بی غرض و کنجکاو که مایل است مطالب آن را با ادله و برهان بپذیرد بس دشوار می باشد. افسانه مزبور را چند نفر از نویسندگان فرانسوی و اتریشی یا به عبارت ساده تر روزنامه نویسان این دو کشور ساخته و پرداخته اند. اولین بار قصه داری و ربودن امتیاز آن به دست مامورین خفیه انگلیس در مجله لاگراپوئیو تحت عنوان جدال راکفلر و هنری دتردینگ در پاریس منتشر گردید. بعد از آن آنتوان زیشکا (نویسندهای اتریشی که کتاب او را داود داودی به فارسی ترجمه، منتشر کرده است) در کتاب خود موسوم به جنگ مخفی مطالبی در مورد امتیاز داری آورد. سپس هر وقت کسی خواست قصه و افسانه ای راجع به نفت بنویسد، آن را نقل کرد. در ایران برای اولین بار این افسانه در روزنامه شفق سرخ منتشر گردید و چون مردم ایران نظر خوبی نسبت به امتیاز داری نداشتند با رغبت زیادی آن را قبول کردند. بی شک اگر دقتی در مطالب یاد شده در بالا در مورد

افسانه مزبور بشود معلوم خواهد شد که اساسی ندارد و خود آنتوان زیشکا هم به افسانه بودن آن معترف است. چند سال قبل از اعطای امتیاز داری ژاک دمورگان (باستان شناس فرانسوی و مهندس معدن بود که دولت فرانسه در سال ۱۸۸۹ م او را برای ادامه تحقیقات باستان شناسی دیولافوا به ایران فرستاد.) که سال ها در شوش مشغول کاوش برای کشف آثار باستانی ایران بود مقاله ای در مجله معادن که در پاریس چاپ می شد نوشت و او راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلی نگاشت. یک نفر ارمنی ایرانی بنام کتابچی خان که در آن موقع متصدی اداره امور گمرک بود، مقاله مزبور را خوانده، چون در مسافرت خود به نقاط غرب از آثار سطحی نفت مطلع شده بود مطمئن شد که منابع مهم نفت در ایران وجود دارد. کتابچی خان به پاریس رفت (فاتح ۱۳۸۴: ص ۲۵۰) و در آنجا نظر به سابقه دوستی با سر هنری دروموندولف که چندی قبل از آن تاریخ، سمت وزیر مختار انگلیس را در ایران داشت ملاقاتی نمود، ضمن این ملاقات کتابچی خان به مقاله دمورگان اشاره کرد و مشاهدات شخصی خود را در باره وجود نفت متذکر گردید و از سر هنری دروموندولف تقاضا کرد که وسایل آشنایی او را با سرمایه داران انگلیسی فراهم نماید تا مطلب را با آنها در میان بگذارد و از آنها دعوت کند که برای استخراج نفت ایران اقدام نماید. سر هنری دروموندولف که خود چند سال وزیر مختار انگلیس در ایران بود اطلاعاتی راجع به منابع نفتی ایران داشت و به کتابچی خان وعده اقدام داد و از پاریس عازم لندن شد که در آنجا با سرمایه داران وارد مذاکره شود. در لندن سر هنری دروموندولف با شخصی بنام ویلیام ناکس داری آشنا شد و او را تشویق نمود که سرمایه خود را برای استخراج نفت ایران بکار اندازد. سر هنری دروموندولف کتابچی خان را با داری آشنا نمود. کتابچی خان شرح و بسط زیادی راجع به منابع نفت ایران برای او داد و نوشته های دمورگان را شاهد آورد. داری تصمیم گرفت که زمین شناس مطلع و کار آزموده ای را انتخاب و به ایران اعزام دارد (فاتح، ۱۳۸۴: ص ۲۵۱) تا در این باره گزارش جامعی به او بدهد و زمین شناسی بنام برلز (H.T.Burles) با یک نفر معاون بنام دالتن از طرف داری استخدام و به ایران اعزام گشتند این متخصصین پس از مطالعه در محل گزارش رضایت بخشی داده، گفتند که احتمال کشف نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار است و در نقاط دیگر هم امید بسیاری می رود. در سال ۱۹۰۱ م / ۱۲۸۰ ش داری نماینده ای به اسم ماریوت به معیت کتابچی خان به تهران اعزام داشت که با دولت وارد مذاکره شده، امتیازی تحصیل نماید. ضمناً ماریوت سفارشنامه ای از سر هنری دروموندولف برای وزیر مختار

انگلیس که در آن وقت سر آرتور هاردینگ بود به همراه داشت که همه نوع مساعدت با او بنماید. وزارت امور خارجه انگلیس به سر آرتور هاردینگ دستور کلی داده بود که هنگام ماموریتش در ایران کوشش بسیار نماید که امتیاز نفت نواحی جنوب را برای یکی از اتباع انگلیس تحصیل نماید و طوری رفتار نماید که موجب تحریک روس ها نشود. هنگامی که سفارشنامه سلف او رسید هاردینگ وقت را مغتنم شمرد و به اقدام پرداخت و به نماینده داری توصیه نمود که پنج ایالت شمالی را جزو پیشنهاد خود منظور ندارد تا از اعتراض روس ها کاسته گردد. به نظر می رسد که روسیه نمی خواست به لحاظ امتیاز گرفتن از ایران از رقیب خود یعنی انگلیس عقب بماند. این نشان از رقابت بین دو اردوگاه شرق و غرب دارد که به محض این که یکی از اینها امتیازی را تحصیل می نمود دیگری نیز در صدد واکنش بر می آمد و او هم در پی تحصیل امتیازی بود تا در مقابل رقیب در صحنه بین المللی عقب نماند. ماریوت و کتابچی خان پس از ورود به تهران پیشنهادی تنظیم کرده، به مظفردالدین شاه تسلیم نمود و او هم که کاملاً تحت نفوذ سیاست روس قرار گرفته بود بی درنگ از قبول آن امتناع کرد که با دخالت هاردینگ و ملاقات با اتابک (امین السلطان) به تایید اتابک (که خودطراح و مجری اصلی نقشه بود) و صحنه شاه رسید. البته لازم است ذکر شود که دولت انگلستان با آگاهی از اینکه وزیر مختار روس نمی تواند خط شکسته فارسی را بخواند به وسیله جاسوسانی که داشت آگاهی یافت که دبیر شرقی سفارت روس موسوم به مسیو استریتر که تنها عضو آن سفارت بود که می توانست آن را بخواند از زرگنده عازم بیلاق های کوهستانی است و چند روزی غائب خواهد بود که دولت انگلستان با استفاده از این فرصت نهایت استفاده را برد و (فاتح، ۱۳۸۴: صص ۲۵۳ و ۲۵۲) توانست آن را به تایید و صحنه شاه برساند. امتیاز نامه داری صحنه شاه و امضاء و مهر اتابک و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (پدر حسن پیرنیا مشیرالدوله و حسین پیرنیا موتمن الملک) و نظام الدین غفاری مهندس الممالک است و در دفاتر دیوانی به ثبت و ضبط رسیده است. به موجب فصول ۸ و ۹ و ۱۶ امتیاز نامه داری تعهد کرده بود که در ظرف مدت دو سال از عقد امتیاز شرکتی برای بهره برداری از امتیاز مزبور تشکیل دهد و پس از تشکیل شرکت بیست هزار لیره نقد و معادل بیست هزار لیره سهام پرداخت شده شرکت مزبور را به دولت ایران تسلیم نماید. (صحفی و همکاران، ۱۳۷۹: صص ۸۴، ۸۳، ۲۵۴) امتیاز مزبور در دوره استبداد بوسیله صدر اعظم (امین السلطان) به امضاء سلطان وقت رسید و مردم هیچ گونه دخالتی در اعطای نداشتند و کوچکترین اطلاعی هم از جریان کار نداشتند. قضاوت هایی که

در باره این قرارداد یا امتیاز شده مختلف و متنوع بوده است. شرکت نفت همواره می گفت که شرایط مندرج در قرارداد مزبور بهترین شرایطی بوده که در آن وقت در خاورمیانه معمول بوده است. ایرانیان هم متفق الرای بودند که قرارداد مزبور بر خلاف منافع ایران تنظیم شده بود. بی طرفی هایی که حب و بغض بخصوصی به هیچ یک از طرفین نداشتند قول شرکت را قبول داشته، تصدیق می کردند که قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش بین قراردادهای دیگری که با سایر کشور های خاورمیانه در آن زمان منعقد شده، یا قبلاً منعقد گشته، اجرا می شد از همه مهمتر بوده است ولی اضافه می کردند که در قسمت تمدید مدت امتیاز، ایران مغبون گشته است. (صحفی و همکاران، ۱۳۷۹: صص ۸۳ و ۸۴) با توجه به مطالب بالا می توان گفت که تقلیل حق السهم ایران از عایدات نفتی یکی از عوامل الغای امتیاز داری بود نه همه آن، در حالی که لغو امتیاز داری با تبنانی قبلی با انگلیسی ها و هماهنگی آن ها بوده است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹: ص ۲۹۳) به نظر می رسد که یکی از جهات لغو قرارداد داری، تصمیم کمپانی نفت ایران و انگلیس به تمدید قرارداد شوم و خانمانسوز داری بوده است. ولی علت مشروع و ظاهر پسندی که از نظر دولت ایران موجب الغاء امتیاز داری گردید ناچیز بودن حق الامتیاز بوده است. (لسانی، ۱۳۵۷: ص ۱۴۲) استدلال دیگر این که عمل رضاشاه در الغاء امتیاز داری اشتباه و دور از حزم و مال اندیشی بوده است. (فاتح و همکاران، ۱۳۸۴: صص ۳۰۷ و ۱۵۵) در فردای آن روز (یعنی یک روز بعد از لغو قرارداد) جراید آن روز شماره فوق العاده انتشار داده، در تهران و سایر شهرها به خاطر لغو قرارداد داری چراغانی و مردم جشن گرفتند. (عاقلی، ۱۳۷۷: ص ۴۸) در حالی که گفته می شود بر اساس تقویم رسمی کشور، آن روز مبعث پیامبر(ص) بوده، چراغانی و جشن مردم به این خاطر بوده است و به جای شادی در باره لغو قرارداد داری بهتر بود اعلام عزاداری می کردند. (مکی، ۱۳۷۴: ص ۳۵۷)

زمینه های شکل گیری قرارداد ۱۹۳۳ م

پس از جنگ جهانی اول و از سال ۱۹۲۰ م به بعد شرکت نفت ایران و انگلیس به توصیه مشاورین حقوقی و مالی خود با توجه به اهمیت نفت جنوب ایران برای دولت بریتانیا (ذوقی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۱) درصدد برآمد تا علاوه بر تمدید امتیاز داری، (ولایتی، ۱۳۷۲: ص ۴۸۹) تجدید نظری هم در آن به عمل آورد تا اختلاف موجود بین شرکت و دولت ایران از میان برداشته

شود. کمپانی نفت جنوب همچنین پیشنهاد می کرد که مبنای احتساب حق الامتیاز دولت ایران که به موجب امتیاز داری، ۱۶ درصد منافع خالص کمپانی و شرکت های تابعه آن، تعیین شده بود تغییر کرده، به مبلغ معین و معلومی برای هر تن نفتی که استخراج می شود تبدیل گردد (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ص ۱۰۲) درحالیکه ایران نیز شکایاتی بر تعبیر و تفسیر قرارداد آرمنیاز اسمیت داشت. در سال ۱۹۲۶ م (۱۳۰۵ ش) کمیسر نفت ایران نامه ای به سرجان کدمن رئیس هیأت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران نوشت و از کمپانی خواست تا برای رفع اختلافاتی که بر موافقت نامه آرمنیاز اسمیت و تفسیر و تعبیر شرکت های تابعه به وجود آمده، سبب کاهش سهم ایران از منافع کمپانی برای سالهای ۱۹۲۴م تا ۱۹۲۷م گردیده است اقدام کند. (ذوقی، و همکاران، ۱۳۷۵: صص ۱۲۲ و ۱۰۳) کمپانی نفت جنوب با استناد به قرارداد آرمنیاز اسمیت، دعوی ایران را در مورد کاهش سهم منافع مردود دانسته، از قبول پیشنهاد دولت ایران خودداری کرد. (ذوقی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۲) از سال ۱۹۲۷ به بعد مذاکرات مفصلی برای حل اختلاف بین تیمور تاش وزیر دربار و نمایندگان کمپانی در جریان بود. (شودران، ۱۳۵۴: ص ۳۹) پیشنهاد تیمور تاش برای تجدیدنظر در مواد امتیاز داری مورد قبول کمپانی قرار گرفت و در سال ۱۹۲۹م سرجان کدمن برای شروع مذاکرات لازم و ارائه پیشنهادات کمپانی نفت به ایران آمد (میرترابی و همکاران، ۱۳۸۴: صص ۱۲۳ و ۱۰۳) و پیشنهادهایی به شرح زیر تسلیم دولت ایران کرد: ۱- واگذاری ۲۰ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس به دولت ایران به طور رایگان، مشروط بر آنکه دولت ایران حق واگذاری این سهام را به غیر نداشته باشند. ۲- محدود شدن حوزه عملیات امتیاز به ۱۰۰ هزار میل مربع ۳- پرداخت دو شیلینگ حق الامتیاز برای هر تن نفت استخراجی ۴- لغو انحصار لوله کشی به خلیج فارس ۵- تمدید امتیاز داری به مدت ۳۰ سال دیگر مشروط بر آنکه طرفین در سال ۱۹۶۱ پایان مدت امتیاز داری، حق لغو قرارداد را داشته باشند. (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۸۱: صص ۱۲۳ و ۱۰۳ و ۵۵) دولت ایران متقابلاً پیشنهاد ۲۵ درصد از سهام، و حق انتخاب دو مدیر در هیأت مدیره با همان حقوق مدیران منتخب انگلیس در کمپانی را ارائه داد که مورد قبول واقع نشد (میرترابی و همکاران ۱۳۸۴: صص ۱۲۳ و ۱۰۳ و ۵۵) و بدین صورت مذاکرات بدون نتیجه ادامه پیدا کرد (ذوقی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۴) از سوی دیگر کاهش فوق العاده ی حق الامتیاز ایران در سال ۱۹۳۱م نسبت به سالهای قبل از آن سبب شگفتی و حیرت اولیای دولت ایران گردید، به ویژه آنکه تولید نفت در سال ۱۹۳۱م به مراتب بیشتر از تولید آن در سال ۱۹۳۰ م و سالهای پیش از آن

بوده، (فرمانفرمائی، ۱۳۷۳: ص ۳۵۲) دولت ایران ضمن اعتراض به شرکت نفت ایران و انگلیس از قبول و دریافت حق امتیاز سال ۱۹۳۱ خودداری کرد (امینی، ۱۳۸۱: ص ۴۸) و از کمپانی توضیحات خواست. (فرشادگر و همکاران، ۱۳۸۱: صص ۱۲۶ و ۱۰۴ و ۵۵) با اعتراضات مکرر علی دشتی نماینده مجلس شورای ملی و تأکید او برای لغو امتیاز داری در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ م ۶ آذرماه ۱۳۱۱ ش حسن تقی زاده وزیر دارایی در نامه ای به آقای جاکس، مدیر شرکت نفت ایران و انگلیس، الغای امتیاز داری را اعلام کرد. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹: ص ۶۴۸) دولت انگلیس چندین بار خواستار لغو نشدن قرارداد داری شد ولی چون با مخالفت دولت ایران روبرو شد، در یادداشتی به وزیر امور خارجه ایران نوشت که چاره ای نخواهد داشت جز اینکه موضوع مشاجره بین خود و دولت ایران را در باب مشروع بودن اقدام دولت ایران با قید فوریت به دیوان داوری بین المللی لاهه ارجاع نماید. (مدنی، ۱۳۶۱: ص ۱۱۶).

در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۲ م محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه در پاسخ به یادداشت وزیر مختار انگلیس، در یادداشت مفصلی برای وی به تشریح دلایل اقدام ایران در الغای امتیاز داری پرداخته و اشاره کرده بود که اولاً امتیازنامه مزبور با اکراه به دست آمده، خصوصاً اینکه کمپانی نفت شرایط اولیه و اساسی همین امتیازنامه را هم رعایت نکرده، از پرداخت سهم منافع واقعی ایران خودداری نموده است. در مورد ارجاع قضیه به دیوان داوری بین المللی لاهه نیز متذکر شده بود که دیوان مزبور صلاحیت رسیدگی به موضوع را ندارد. (علم و همکاران، ۱۳۷۷: صص ۱۲۹ و ۱۰۶ و ۶۵) در نتیجه این اقدام، بحران در روابط ایران و انگلیس بالا گرفت و دولت انگلیس شکوائیه ای علیه ایران به جامعه ملل ارائه کرد. (امینی، ۱۳۸۱: ص ۳۶) شورای جامعه ملل پس از طرح دیدگاههای دو طرف به ادوارد بنش Eduardo - Benes وزیر امور خارجه چکسلواکی مأموریت داد تا موضوع را بررسی و به شورا اطلاع دهد. (نجاتی، ۱۳۶۴: ص ۲۲) ادوارد بنش به طرفین پیشنهاد کرد تا برای حل قضیه مستقیماً با یکدیگر وارد مذاکره شوند و قرارداد جدیدی بین خود منعقد نمایند. (روحانی، ۱۳۵۲: ص ۶۴) سرانجام در ۲۹ آوریل (۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش) با موافقت طرفین منجر به عقد قرارداد جدید نفتی گردید که به نام قرارداد ۱۹۳۳ م معروف است. (امینی، ۱۳۷۹: ص ۵۹) این قرارداد که شامل ۲۷ ماده بود، از طرف ایران سیدحسن تقی زاده وزیر دارایی، و از طرف شرکت نفت سرجان کدمن، رئیس هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس، در تهران

به امضاء رسید. (امینی، ۱۳۸۵: ص ۳۹) حال با این مقدمات به بررسی قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش و موضع رضاخان در قبال این قرارداد می پردازیم.

قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش

مقدمه: به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ م/ ۱۲۸۰ ش به ویلیام ناکس دارسی داده شده بود، این امتیاز را دولت ایران اعطاء و "کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود" آن را قبول مینماید. روابط طرفین مذکور در آتیه بر طبق این قرارداد خواهد بود.

تعاریفات: بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرارداد قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه در موارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعاریفات ذیل معنی خواهد شد. **دولت:** یعنی دولت شاهنشاهی ایران.

کمپانی: یعنی "شرکت نفت انگلیس و ایران محدود" و تمام شرکت های تابعه آن. "شرکت نفت انگلیس و ایران محدود" یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود" یا هر شخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود.

شرکت تابعه: یعنی هر شرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً یا غیر مستقیم داشته باشد و یا آن که کمپانی در آن شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم مالک مقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رای در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کمپانی تضمین نماید.

نفت: یعنی روغن خام و گاز های طبیعی و قیر ها (آسفالت ها) و موم های طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکور حاصل می شود و یا به وسیله اختلاط و امتزاج این مواد با مواد دیگری به دست می آید. عملیات کمپانی در ایران: یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری و فنی که کمپانی منحصرأ برای اجرای این امتیاز انجام می دهد. این قرارداد در بیست و هفت ماده بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد گردید. (مکی، ۱۳۵۷: صص ۱۹۴ تا ۱۵۷) در مورد تقسیم عایدات نفت از مدت ها قبل بین دولت ایران و شرکت نفت اختلاف وجود داشت. با این که عملیات شرکت از لحاظ تولید و تصفیه و پخش و فروش نفت در سراسر جهان توسعه یافته، و عایدات خوبی نصیب سهام داران خود و خزانه داری انگلیس می نمود معذالک شرکت همیشه در پرداخت حق السهم ایران حساب سازی و اشکال تراشی می نمود به طوری که

تا تابستان سال ۱۹۲۰ م / ۱۲۹۹ ش دیناری از این بابت به دولت ایران پرداخته بود. (وزیری و همکاران، ۱۳۸۰:ص ۱۷۰) هنگامی که مشیرالدوله نخست وزیر تقاضا کرد به حساب های معوقه ی شرکت نفت رسیدگی شود، بدین منظور آرمیتاژ اسمیت انگلیسی مالیه را به لندن فرستادند مدیران شرکت پس از چانه زدن بسیار در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ م / ۱۲۹۹ ش موافقت نامه ای با آرمیتاژ اسمیت امضاء کردند که به موجب آن شرکت به جای کلیه ی مطالبات ایران یک لیره مقطوع پرداخت نمود. از سال ۱۹۲۰ م / ۱۲۹۹ ش تا ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰ ش نیز شرکت نفت مجموعاً ۲۴ میلیون لیره به دولت ایران پرداخته بود در حالی که در این مدت چندین برابر این مبلغ را به عنوان مالیات به خزانه داری انگلیس واریز کرده بود. ناگفته نماند که از ابتدای سلطنت رضاشاه انگلیسی ها اظهار تمایل کرده بودند امتیاز نامه ی داری را که در زمان استبداد تحصیل شده، و اعتبار قانونی نداشت، تجدید گردد و حتی برای جلب نظر موافق دولت ایران امتیازاتی هم داده بودند از جمله در فوریه ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰ ش خطوط تلگرافی هند و اروپا را که هنوز ۱۴ سال دیگر از مدت امتیاز آن باقی مانده، و ضمناً به علت توسعه تلگراف بی سیم دیگر ضروری نبود به طور بلا عوض به دولت ایران واگذار نموده، و همچنین پایگاه دریایی خود را از آب های ساحلی ایران در خلیج فارس خارج ساخته، و مرکز ناوگان خود را از بوشهر به بحرین منتقل کرده بودند. با روی کار آمدن رضاخان شرایط داخلی سیاسی دگرگون شده بود. لذا انگلیسی ها از یک سو برباور مشاورین تمایل به تغییر قرارداد از ۱۶ درصد به مبلغ معین و معلومی داشتند. در حالیکه ایران نیز شکایاتی بر تعبیر و تفسیر قرارداد آرمیتاژ اسمیت داشت. استخدام مک لین تاک به عنوان یک حسابرس خبره برای مشکلات نفتی از بنیانی ترین این اقدامات بود. به همین دلیل کمیسر نفت ایران(فرید السلطنه) در نامه ای به وزارت دربار در ۵ دسامبر ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش به بیان معایب و نواقص قرارداد ۵ دسامبر ۱۹۲۱ م / ۱۳۰۰ ش آرمیتاژ اسمیت می پردازد و پیشنهاد هایی را در مورد انعقاد قرارداد جدید دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس مطرح می کند. (اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری ۱۳۷۸: ص ۳۶۷) در سال ۱۹۲۶ م / ۱۳۰۵ ش کمیسر نفت ایران فرید السلطنه نامه ای به سر جان کدمن رئیس هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران نوشت تا موجبات رفع اختلاف مربوط به محاسبات سالهای ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ ش و ۱۹۲۷ م / ۱۳۰۶ ش را فراهم سازد. در ۹ ماه مه ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ ش نیز به اعتبار قرارداد آرمیتاژ اسمیت خرده، گرفته، آن را بی اعتبار اعلام می نماید. وی می نویسد: مکرراً یاد آور شده، و باز هم تکرار می-

کنم که آرمیتاژ اسمیت هیچ گونه اختیار و دستوری از سوی دولت ایران برای عقد قراردادی که موجب تغییر مفاد امتیاز داری شود را نداشته است. (ذوقی، ۱۳۷۰: ص ۱۱۲) از سال ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ ش وزیر دربار، تیمور تاش نیز در این میان مداخله نمود و مذاکراتی را با کمپانی آغاز نمود طی این مذاکرات تیمور تاش دولت قاجار را دولتی ناگاه شناسانده، و قرارداد های آن زمان را بی- اعتبار و دور از خرد می داند. اما در ۷ اوت ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰ ش شرکت گزارش داد که پیشنهاد های ایران را نمی پذیرد. شرکت گزارش داد که درخواست های دولت ایران به مراتب بیش از آن است که شرکت بتواند آنها را بپذیرد. پیشنهادهایی که دولت ایران ارائه کرده بود، چنان عظیم نبود بلکه در پی سفر جان کدمن به ایران و پیشنهاد های انگلیس ارائه شده بود این پیشنهادها به قرار زیر بود: ۱- واگذاری ۲۰ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس به دولت ایران به طور رایگان، مشروط بر این که دولت ایران حق واگذاری این سهام را به غیر نداشته باشد. ۲- محدود شدن حوزه عملیات به ۱۰۰ هزار مایل مربع ۳- پرداخت دو شلینگ حق الامتیاز برای هر تن نفت استخراجی ۴- طرفین در سال ۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰ ش (پایان مدت قرارداد داری) حق لغو قرارداد را داشته باشند. دولت ایران پیشنهاد ۲۵ درصد از سهام، حق انتخاب دو مدیر در هیئت مدیره با همان حقوق مدیران منتخب انگلیس در کمپانی ارائه داده اسناد معتبری از چگونگی مذاکرات تیمورتاش و سرجان کدمن در مورد بررسی تغییر بنیادی در مفاد امتیاز نامه، داری از طریق مذاکره و مسئله سهام و حق الامتیاز ایران وجود دارد. (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ص ۱۰۳) در نامه های ۱۵ نوامبر ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ ش طی اسناد شماره ۱۵ و ۱۵/۱ که در کتاب اسناد نفت درج شده است کدمن به تشویق مذاکره با تیمورتاش و علاقه مندی به ادامه مذاکرات می پردازد وی می نویسد: مبلغ حقیقی قابل پرداخت به ایران در ازای هر تن، همان طوری که در لوزان هم گفته شد بستگی به سایر روش های مشارکت ایران دارد. مسئله ی تعیین حدود جغرافیایی هم طوری که در قرارداد آمده است مورد مذاکره کارشناسان است. از سویی به دلیل بحران ۱۹۲۹ م / ۱۳۰۸ ش صورت حساب سالیانه سال های ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰ ش و ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش به شدت تنزل نموده بود و سبب شد که ایران از دریافت حق الامتیاز خودداری نماید. سید حسن تقی زاده در چنین شرایطی در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش الغای امتیاز داری را به اطلاع شرکت در ایران رسانید. (فرشادگهر ۱۳۸۱: ص ۱۰۴) در ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش کمپانی نفت خبر داد که سهم دولت از نفت در ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰ ش، ۲۰۰ هزار لیره شده است در صورتی که ۷۰۰ و ۸۰۰ هزار تا یک میلیون بود. تیمورتاش به لندن رفت که

در ضمن کارها با رئیس نفت صحبت کند نتیجه ای به دست نیامد در مراجعت چند روزی در مسکو معطل ماند، معروف شد کیف اسناد او مفقود شده است اسمی هم از پاکروان برده شد. پس از مراجعت تیمورتاش، کدمن، رئیس کل نفت (در کارهای ایران) به تهران آمد در هر موقع که به تهران می آید تیمورتاش از او میهمانی می کند این نوبت چون نوبت های دیگر من هم بودم و بعد از شام نمی ماندم. دو روز بعد در ملاقاتی با شاه، شاه از من پرسید رئیس نفت چه صحبت می کرد؟ عرض کردم قبل از شام فرصت صحبت نیست و بعد از شام من نبودم. شاه دوسیه ی نفت را خواسته است ظاهراً چندروز هم گذشته، شب ششم آذر تیمورتاش دوسیه را به هیئت دولت آورد، شاه تشریف آوردند و متغیرانه گفتند دوسیه نفت چه شد؟ گفته شد حاضر است. زمستان است ، بخاری می سوزد، دوسیه را برداشتند انداختند توی بخاری و گفتند نمی روید تا امتیاز نفت را لغو کنید، این حرکت نمایشی بوده، و رضاخان برای اغفال مردم دست به این عمل نمایشی زده است . رضاخان تشریف بردند، نشستیم و امتیاز را لغو کردیم، وزیر خارجه به جکمن مدیر مقیم اخطار کرد ، از سفارت اعتراض آمد ، تیمو تاش جوابی لایق نوشت که وزیر آلمان تمجید کرد . (هدایت، ۱۳۴۴: ص ۳۹۵) و این در حالی است که هم جواد شیخ الاسلامی صاحب کتاب صعود و سقوط تیمور تاش و هم مصطفی فاتح مولف کتاب پنجاه سال نفت ایران عمل رضاشاه را در الغاء بی مطالعه امتیاز داری را به دور از حزم و دوراندیشی عنوان نموده اند . (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۷۹: صص ۳۰۷ و ۱۵۵) مخبرالسلطنه هدایت می گوید : که نوشتیم منافع دولت محفوظ نیست لهذا امتیاز را لغو کردیم و برای قرارداد راه بهتری از مذاکره مضایقه نیست جواب سفارت هم در همین لحن داده شد چند روز بعد تیمور تاش توقیف شد من در صحبت، تمجید وزیر آلمان را به عرض رساندم فرمودند تو که با تیمورتاش هم عقیده نبودی عرض کردم حالا هم نیستم، اما حقایق را باید به عرض برسانم ضمناً گفتم گیوم دوم که به بیسمارک کم لطف شد گفت بر سر ملک خود برود. از لندن خبر رسید که در روزنامه تایمز نوشته بودند کیف اسناد تیمورتاش بدست آمد معلوم شد که بست و بندی با شوروی داشته داشته است، راست یا دروغ معلوم نشد و من از شاه چیزی نشنیدم. مطالب جالب در این دوره محرمانه است تا چه رسد به مطلبی که یک سرش در لندن است و یک سرش در مسکو. سوء ظن همه قسم شد آنچه مقرون به صحت است تیمورتاش قصدش از صحبت های مسکو ترساندن انگلیس بوده است. در کار نفت تفسیرهای دیگری نمودند، مصارف انگلیس را اهل خبره ۴۲ میلیون لیره دیده بودند و کمپانی آلمانی حاضر

بود اگر تغییر کلی میسر بود امتیاز نفت برای آلمان صد میلیون ارزش داشت. کار تیمورتاش به محاکمه کشید، صحبت از مبالغ گزاف می رفت روز ۲۳ اسفند مقبل وکیل او نزد من آمد که تخفیفی از شاه تقاضا کنم. روز ۲۴ اسفند تولد شاه و افتتاح مجلس است پس از برگزار شدن تشریفات مجلس شرفیاب شدم عرض کردم عن قریب اولاد تیمورتاش متوسل به خاک پای مبارک خواهند شد و امر خواهند نمود برای آنها فکری بشود زمینه ای که محاکمه برداشت کرده است گزاف است گفتند خیال کردم برای تبریک آمده ای؟ عرض کردم زمین و آسمان تبریک می گویند، گفتند به عدلیه دستور داده ام هر چه حکم کنند. (هدایت، ۱۳۴۴: ص ۳۹۵)

الغای امتیاز نفت داری و اختلاف با انگلستان

در سال ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش شرکت نفت ایران و انگلیس به دولت ایران اطلاع داد که حق السهم دولت ایران بابت عایدات نفت در سال قبل فقط سیصد و دو هزار لیره شده است، در حالی که در سال ۱۹۳۰ م / ۱۳۰۹ ش عایدات ایران از این بابت چهار برابر این مبلغ بود. این اختلاف عایدات مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت و تقاضای رسیدگی کرد ولی چون شرکت زیر بار نرفت. رضاشاه در شب نوامبر ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش در حضور هیئت وزیران امتیاز نامه داری و پرونده نفت را در آتش بخاری انداخت و به وزیرانش دستور داد بی درنگ امتیاز نامه داری را ملغی اعلام کنند. (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۷۲: صص ۳۹۵، ۳۷۱، ۱۶۲، ۱۷۰)، که فردای آن روز عملی شد. اقدام دولت ایران در لغو قرارداد داری بحران بزرگی در روابط ایران با انگلستان به وجود آورد. دولت انگلستان طی یادداشت دوم دسامبر ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش ایران را تهدید کرد که در صورتی که از تصمیم خود عدول نکند مواجهه با عواقب وخیمی خواهد شد و چند فروند کشتی جنگی به آب های ساحلی ایران فرستاد. سر جان سایمون وزیر خارجه ی انگلیس نیز شکایتی از دولت ایران تسلیم جامعه ملل کرد. (مهدوی، ۱۳۵۰: ص ۳۷۲) سر اریک درومند دبیر کل جامعه ی ملل در ۱۸ دسامبر ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ ش تلگرافی از دولتین ایران و انگلیس تقاضا کرد از هر عملی که موجب تشدید اختلاف شود خودداری و نمایندگان خود را به مقر جامعه ی ملل بفرستن. دولت ایران هیئتی به ریاست علی اکبر داور وزیر دادگستری و عضویت حسین علاء رئیس بانک ملی و چند نفر دیگر به ژنو اعزام نمود و انگلستان هم سر جان سایمون وزیر خارجه- ی خود را به نمایندگی معرفی کرد. در جلسه ی ۲۶ ژانویه ی ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش داور نظریات ایران را در حقانیت خود بیان و الغای امتیاز داری که منافع ملت ایران را به هیچ وجه تامین نمی

کرد، توجیه نمود. سایمون در پاسخ، عمل دولت ایران را خلاف مقررات و حقوق بین المللی و لطمه به منافع امپراتوری انگلیس قلمداد کرد. شورای جامعه ی ملل پس از استماع نظرات طرفین دکتر ادوارد بنش وزیر امور خارجه ی چکسلواکی را مامور رسیدگی به اختلاف کرد و در جلسه مورخ سوم فوریه به پیشنهاد دکتر بنش قطعنامه ای را تصویب نمود که به موجب آن طرفین دعوت شده بودند مستقیماً با یکدیگر وارد مذاکره شوند و تا جلسه ی بعدی که در ماه مه منعقد خواهد شد، راه حلی بیابند. اظهارات نمایشی رضاخان در موقعی که تمدید قرارداد داری خواسته شد و کدمن در مورد تمدید قرارداد اصرار می کرد و نمایندگان شرکت که تهدید به ترک ایران و قطع مذاکرات کرده بودند: این بود که عجب این کار که به هیچ وجه شدنی نیست می خواهند که ما که سی سال بر گذشتگان برای این کار لعنت می فرستادیم ۵۰ سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم. (ساتن، ۱۳۷۲: ص ۴۵۸) در مورد خود قرارداد در صورتی که قرارداد داری تمدید نمی شد از سال ۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰ ش به بعد کلیه ارز حاصله از فروش نفت عاید دولت ایران می شد در صورتی که قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش، ارز دولت ایران فقط به مبلغ حق الامتیاز و لیره هایی که شرکت برای تامین احتیاجات خود در ایران مجبور بود خرج نماید محدود شده بود. اگر تمدیدی در بین نبود از سال ۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰ ش به بعد که مدت امتیاز خاتمه می یافت بر طبق امتیاز تمام آلات و ادوات تولیدی نفت ایران تعلق می گرفته ملت ایران مالک صد درصد عایدات می گردید در صورتی که این امتیاز سبب شده بود که ملت ایران از عایدات حداکثر فقط تا صدی بیست استفاده نماید و ۸۰ درصد بقیه به جیب شرکت نفت برود. در قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش علاوه بر دو عیب مذکور در فوق حق الامتیاز و مالیات و ۲۰ درصد سهم ایران در شرکت نوعی تعیین شده بود که پس از انقضای ۱۸ سال نتیجه این شد که عایدات دولت ایران نصف مبلغی شد که در صورت وجود قرارداد داری به دولت ایران تعلق می گرفت. (ساتن، ۱۳۷۲: ص ۴۵۸) با توجه به موارد فوق و با توجه به اینکه قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش میزان عواید ایران را نصف عواید حاصله از قرارداد داری کرده است ملاحظه می شود که قرارداد منعقد شده با شرکت نفت به جای اینکه به نفع ایران باشد همواره به صورت هایی تنظیم شده که بالمال و رفته رفته ضرر بیشتری برای ملت ایران در بر داشته است و می توان از این بحث چنین نتیجه گرفت که قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش به ضرر ایران بوده است و حتی ضررهای آن بیشتر از قرارداد داری بوده است و مخالفت رضاخان با قرارداد و انداختن قرارداد داری در آتش یک حرکت نمایشی از

سوی رضاخان بوده برای اغفال مردم و برای اینکه بفهماند که دست نشانده ی انگلیسی ها نیست و از آنها فرمان نمی برده، بوده است. در حالی که انگلوفیل بودن رضاخان بر کسی پوشیده نیست. مسائل اصلی که در این مذاکرات مطرح بود عبارت بودند از یافتن فرمولی جهت تادیه حق امتیاز و تعیین مدت امتیاز، شرکت نفت اصرار داشت که مدت امتیاز را حداقل به ۶۰ سال یعنی تا سال ۱۹۳۳ م / ۱۳۷۲ ش امتداد دهد در حالیکه شاه با امتداد آن بیش از مدتی که در قرارداد اصلی تعیین شده بود مخالفت داشت. ولی در واکنش تند و شدید گفت این ابداً نمی شود می خواهید سی سال که ما به گذشتگان لعنت کردیم پنجاه سال هم آیندگان به ما لعنت کنند. کدمن هم در برابر لجاجت و یک دندگی شاه به حيله ای متوسل شد. او به این نتیجه رسیده بود که تنها راه از میان برداشتن این بن بست آن است که شاه را در برابر تصمیم قاطع و تعیین کننده ای قرار دهد از این رو کدمن در جلسه ی دومی که در ۲۴ آوریل به حضور شاه رسید، به وی اطلاع داد از آنجایی که امیدی برفیصله ی رضایت بخش مذاکرات مشاهده نمی گردد در نظر دارد که روز بعد تهران را ترک نماید از این مرحله به بعد شخص شاه به نحو فعالی در جریان مذاکرات دخالت کرد. در همان روز جلسه ای با شرکت شش نفر از هیئت های ایران و شرکت نفت و سه نفر از هر طرف در حضور شاه تشکیل شد. در این جلسه کدمن پیشنهاد کرد به جای آن که شرح اختلاف نظرات طرفین مورد بحث و گفتگو قرار گیرد بهتر آن است که نخست جزئیات شرایط جدیدی که از سوی شرکت پیشنهاد شده است، مورد توجه قرار گیرد. شاه با استفاده از قدرت شخصی و خودخواهانه خود و استفاده ی او از قهر و غلبه بر اطرافیانش (ساتن، ۱۳۷۲: ص ۴۵۸) در برابر دیدگان شگفت زده ی هیئت مذاکره کنندگان ایران که آماده بحث و گفتگو در باب اختلافات مزبور گردیده بودند با پیشنهاد کدمن موافقت کرد. شاه رو به وزرای خود کرده، اظهار داشت که از نظر او آنچه بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد، این است که این مسائل به شیوه ای دوستانه و مسالمت آمیز مورد بررسی قرار گیرند. (علم و همکاران، ۱۳۷۱: ص ۷۰، ۳۱۹) در این جلسه در مورد طرحی که منطبق با پیشنهادات شرکت باشد توافق به عمل آمد ولی چند مساله اساسی نیز کماکان لا ینحل باقی ماند یا برجای ماند، مسئله مدت زمان امتیاز مشکل اصلی این مذاکرات بود. شرکت در آغاز اصرار داشت که مدت زمان امتیاز را لااقل به ۷۵ سال برساند، شاه مخالف سر سخت این امر بود. کدمن حاضر شد که خواسته های خویش را با محفوظ نگه داشتن حق تجدید امتیاز به سی سال تقلیل دهد، ولی شاه هنوز هم مخالف بود. وی به کدمن گفت که اگر مدت امتیاز

جدید از مدت امتیاز اصلی تجاوز کند دیگر نمی تواند با مردمش روبرو گردد. کدمن احساس می کرد اینک به اصل مطلب رسیده اند، بر اصرار خویش افزود. از شاه پرسید که آیا یک مدت ۵۵ ساله را خواهند پذیرفت یا خیر؟ شاه پاسخ داد گفتم که اعطای ۶۰ سال از من بر نمی آید و روشن ساختم که بیش از این نیز از من مقدور نیست. حال سرجان با من چانه می زدند. آخرین جلسه ی گفتگوی کدمن با شاه در ۲۶ آوریل / ۶ اردیبهشت صورت گرفت. در این جلسه هوئر سفیر بریتانیا نیز حضور داشت، معلوم نیست در این جلسه چه گذشت یا چه نوع تهدیدی به کار گرفته شده، ولی بالاخره شاه در برابر کدمن از در تسلیم در آمد و با تمدید مدت امتیاز جدید به ۶۰ سال موافقت کرد. احتمالاً تهدید به قطع روابط شده یا تداوم سلطنت خاندان پهلوی زیر سوال برده شده بود. گفته اند که شاه برای صدور اجازه ی چنین کاری رشوه گرفته بود. از نظر برخی ایرانیان این ماجرا از آغاز تا به انجام جز نمایش مشترک دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران چیز دیگری نبود. (علم و همکاران، ۱۳۷۱: ص ۳۱۹، ۷۰) در اواسط سلطنت رضاشاه پهلوی، یعنی در ششم آذرماه ۱۳۱۱، مذاکرات به طور ناگهانی لغو شد و پس از چندین کشمکش و مرافعه میان شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران سرانجام قرارداد جدیدی (معروف به قرارداد ۱۹۳۳ م) در هشتم خرداد ۱۳۱۲ ش میان طرفین دعوا بسته شد که مبنای آتی ایران با شرکت نفت گردید با ملی شدن صنایع نفت ایران در نهم اردیبهشت ۱۳۲۹ ش / ۱۹۵۰ م قرارداد اخیر نیز خود بخود از بین رفت و فقط لاشه تاریخی اش بجا ماند. تا زمانیکه قرارداد داریسی (قرارداد ۱۹۰۱ م) الغاء نشده بود کشمکش و اختلاف دائمی میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس جریان داشت و این اختلاف نظر عمدتاً ناشی از ماده ۱۰ امتیاز نامه (شیخ الاسلامی ۱۳۷۹: ص ۱۵۳) بود که حق السهم ایران را ۱۶ درصد از سود خالص شرکت تعیین می کرد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۳) ایراد مهمی که تاکنون از طرف ملیون و رجال ملی ایران به سیاست نفت رضاشاه گرفته شده همان مسئله اضافه کردن ۳۲ سال بر مدت باقی مانده امتیاز و رساندنش به شصت سال است. سید حسن تقی زاده (وزیر دارایی وقت) چه در خاطراتش و چه در نطق هایی که پیش از انتشار این خاطرات در مجلس شورای ملی و مجامع علمی ایراد کرده همیشه به صراحت اعلام داشته که مسئله تمدید امتیاز نفت جنوب در آخرین دور مذاکرات تهران در آوریل ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش مطرح شد و رضاشاه که در اول کار مخالف جدی امتیاز نفت بود سرانجام در نتیجه فشار و تهدید سرجان کدمن رئیس هیئت مدیره شرکت نفت که در راس هیئتی برای عقد قرارداد جدید به تهران

آمده بود، به خواست اولیای شرکت تسلیم و متن قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش را با ماده معروف تمدیدش پذیرفت و دستور تصویب آن را به هیئت دولت داد. اما اسناد مربوط به مذاکرات مفصل و طولانی این دوره - از ژانویه ۱۹۲۰ تا دسامبر ۱۹۳۲ م - آشکارا نشان می دهد که رضاشاه از تمایل باطنی انگلیسی ها به تمدید امتیاز نفت به عکس آنچه تقی زاده و دیگران نوشته اند از سالهای قبل خبر داشته، و اگر با دیدی وسیع و دقیق به این مسئله ی دشوار صنعتی و اقتصادی نزدیک می شده شاید اصلاً دست به لغو امتیاز قدیم (امتیاز داری) نمی زده، مصالح ایران را از راههایی که بهتر و کوتاه تر و بی خطر تر بود تامین می کرد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۳) تقی زاده در خاطراتش چنین می گوی: که درباره ی تمدید امتیاز که به قول خود او تحت فشار و تهدید از طرف انگلیسی ها صورت گرفته، می گوید: من شخصاً هیچ وقت راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده (یعنی رضاخان) که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد.

او خود هم راضی به تمدید نبود و در بدو اظهار از طرف حضرات روبروی آنها به تحاشی و وحشت گفت: عجب این کار که به هیچ وجه شدنی نیست. می خواهید که ما سی سال بر گذشتگان بر این کار لعنت کرده ایم پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم... ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد. (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ص ۱۱۶) این حاکی از آن است که تقی زاده در این مورد می خواهد خود را در مورد قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش بی تقصیر جلوه دهد و در مورد رضاخان می گوید: که او راضی نبوده که قرارداد را تمدید نماید و کاری بوده که از دستش در رفته و دیگر نمی توانسته از آن اشتباه خود بر گردد. هنگامی که کدمن در مورد تمدید قرارداد اصرار می کرد، شاه در برابر اصرار کدمن مبنی بر این که مدت امتیاز ۶۰ سال ادامه یابد با عصبانیت پاسخ داد: این ابداً نمی شود، می خواهید که ما سی سال بر گذشتگان بر این کار لعنت کرده ایم پنجاه سال هم آیندگان به ما لعنت کنند. گویا نخستین ملاقات کدمن با شاه در همین جا به پایان رسید در حالی که حاصل چندان رضایت بخشی نداشت. رئیس هیئت مدیره شرکت که نتیجه مذاکرات خود را با شاه ناموفق می دید دست به حيله جدیدی زد، ترفند او این بود که در برابر شاه از خود موضع قاطع نشان دهد. تا شاید بدین وسیله به مقصود نایل آید از این رو در دومین ملاقات با شاه به راحتی ترفند خود را با این سخنان عملی ساخت: از آن جا که امیدی بر نتایج مذاکرات نمی رود تصمیم گرفته است که روز بعد تهران را به قصد کشور خود ترک نماید. (زرگر، ۱۳۷۳: ص ۸۰)

گویا کدمن با این ترفند یا حيله می خواسته است که شاه را تهدید نماید که با رفتن او انگلستان با روش دیگری با شاه در مورد قرارداد برخورد خواهد کرد و ترس رضاخان از این بوده که مسئله قرارداد به جامعه ی ملل ارجاع نشود. نظریه دیگر این است که تهدید به حمله ی نظامی و یا جدا نمودن خوزستان به وسیله ی انگلستان از ایران باعث ترس رضاخان شده است. با این توصیفات شاه که انتظار چنین برخوردی را نداشت یعنی تهدیدی که کدمن نمود یعنی همان ترک تهران و رفتن به انگلستان، با جدیت دست به کار شد و در همان روز جلسه شش نفره ای را متشکل از هیئت های ایران و شرکت نفت (با ترکیب هر یک سه نفره) ترتیب داد. کدمن در این جلسه خطاب به شاه گفت: شرکت نمی تواند به دلیل رکود اقتصادی تقاضای جهانی حداقل تولید شش میلیون تن نفت در سال را بپذیرد ضمن این که ۷۵۰ هزار پوند حداقل مبلغی است که شرکت می-تواند پرداخت سالانه آن را تضمین کند و نیز در این جلسه از سوی کدمن چنین مطرح شد که شرکت خواهان آن است که برای پرداخت حق الامتیاز به جای طلا، از لیره استرلینگ استفاده کند. محدوده و مدت امتیاز و حقوق انحصاری شرکت در زمینه احداث خط لوله از جمله موارد دیگری بود که از سوی کدمن مطرح شد. (زرگر، ۱۳۷۳: ص ۸۰) شاه که کدمن را در موضع خود استوار می دید در برابر دیدگان حیرت زده هیئت ایرانی با پیشنهاد کدمن موافقت کرد و بدین وسیله هیئت ایرانی را از ادامه مذاکرات با نمایندگان شرکت بر سر اختلاف مزبور باز داشت و به وزرای خود چنین وانمود ساخت که این مسائل به شیوه ای دوستانه و مسالمت آمیز مورد بررسی قرار گیرد. (ج. بمبرگ، بی تا: ص ۸۱) نویسنده کتاب تاریخچه شرکت بریتیش پترولیوم براساس یادداشت های کدمن، برخورد شاه را در آن جلسه چنین نقل می کند ... (شاه) برای نشان دادن قدرت مطلق خود، برای وزرایش قدری سخنانی کرد. آنان آن چنان به زمین چشم دوخته بودند که نمی توانستند فراتر از نوک بینی خود را ببینند در حالیکه او در اوج قرار داشت و می توانست جهان با عظمت اطراف خود را نظاره کند و وزرا در سکوت محض و مانند بچه مدرسه ای ها به سخنان او گوش فرا داده و فقط در پاسخ به سوالاتی که اعلیحضرت مطرح می کرد، یکی دو کلمه بر زبان جاری می ساختند. (لنگرودی و همکاران بی تا: صص ۷۰، ۸۱) کدمن در دومین ملاقات با شاه توانست نظر وی را نسبت به پیشنهاد خود جلب و موافقت بالاترین مقام کشور را جلب نماید، اما دو مساله از مسائل اساسی تمدید قرارداد همچنان لاینحل باقی ماند. این دو مساله عبارت می شد از مدت زمان امتیاز و دیگری حوزه نفتی نفتخانه. شاه در برابر اصرار کدمن مبنی بر افزایش مدت

امتیاز، چنین گوشزد کرد که اگر مدت امتیاز جدید از مدت امتیاز اصلی تجاوز کند دیگر نمی تواند با مردمش روبرو شود. شاه همچنین در برابر سماجت دیگر کدمن که خواستار افزایش طول مدت قرارداد بود، (ج، ممبرگ بی تا: ص ۸۱) این گونه واکنش نشان داد: گفتم که اعطای ۶۰ سال از من بر نمی آید و روشن ساختم که بیش از این نیز از من مقدور نیست حال سرجان کدمن با من چانه می زند، (زرگر، ۱۳۷۲: ص ۳۲۰) آخرین جلسه گفتگوی کدمن با شاه در ۲۶ آوریل / ۶ اردیبهشت صورت گرفت، در این جلسه هوئرسفیر بریتانیا نیز حضور داشت معلوم نیست در این جلسه چه گذشت یا چه نوع تهدیدی بکار گرفته شده ولی بالاخره شاه در برابر کدمن از در تسلیم درآمد و با تمدید مدت امتیاز جدید به ۶۰ سال موافقت کرد. احتمالاً تهدید به قطع روابط شده یا تداوم سلطنت خاندان پهلوی زیر سوال برده شده بود. گفته اند که شاه شخصاً برای صدور اجازه چنین کاری رشوه گرفته بود. (علم و همکاران، ۱۳۷۱: صص ۷۰ و ۳۱۹) عده ای دیگر می گویند جلوگیری از ضبط دارایی های خارجی ایران به وسیله ی شرکت نفت ایران و انگلیس باعث عقب نشینی رضاخان گردید و قرار داد نامناسب مشابهی مانند قرارداد داری را امضاء نمود. (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ص ۱۷۹) به نظر می - رسد این ماجرا از آغاز تا به انجام جز نمایش مشترک دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس چیز دیگری نبود. (علم و همکاران، ۱۳۷۱: صص ۷۰، ۳۱۹) اما ایستادگی شاه بر موضع خود در خصوص مدت زمان امتیاز در برابر شگردهای گفتاری کدمن و رفتار شیطنت آمیز چندان دوام نیاورد و خیلی زود جای خود را به نرمش و انعطاف داد. کدمن در سومین ملاقات با شاه بالاخره نظر خود را به اولین شخص مملکت تحمیل کرد و نظر موافق او را در خصوص تمدید مدت امتیاز جدید به مدت ۶۰ سال گرفت مشروط بر این که حوزه امتیاز به صد هزار مایل مربع کاهش یابد. (لنگرودی، بی تا: ص ۸۳) اما این که چرا و چگونه شاه به رغم موضع قبلی خود سرانجام در برابر کدمن سر تسلیم فرود آورد پرسشی است که تا کنون پاسخی قاطع بدان داده نشده است. برخی تهدید به قطع روابط و برخی دیگر اخذ رشوه را از جمله عوامل موثر در این امر دانسته اند. تامین خواسته های هیئت اعزامی انگلستان از سوی شخص اول مملکت به رغم مخالفت های اولیه او، آن چنان مایه شگفتی شد که برخی این ماجرا را از آغاز تا به انجام نمایش مشترک دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس به شمار می آورند. تقی زاده سال ها بعد طی نطقی در مجلس چگونگی تمدید این امتیاز را به مدت ۶۰ سال چنین توصیف می کند: برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده ی حاکم آن عهد نه

مقدور بود و نه مفید ... من شخصاً هیچ وقت راضی به مدت قرارداد نبودم (لنگرودی، بی تا: ص ۸۳) و دیگران هم راضی نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده نقص بر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمديد مدت نبود ولی عاقبت در برابر اصرار تسلیم شد. (زرگر و همکاران، ۱۳۷۲:صص ۸۳،۳۲۰،۳۲۱) به موجب قراردادی که در ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش در تهران به امضاء رسید حق السهم ایران از عواید نفت به ۲۰ درصد سود سهام به علاوه چهار شلینگ در هر تن نفت صادراتی افزایش یافت. حوزه امتیاز شرکت نفت به ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع در ایالت خوزستان و کرمانشاه محدود شد و شرکت متعهد گردید برنامه ی آموزشی سریعی برای اینکه ایرانیان بتوانند مشاغل فنی صنایع نفت را عهده دار شوند ترتیب دهند. در مقابل مدت امتیاز نفت ۶۰ سال دیگر یعنی تا ۱۹۹۳ م/ ۱۳۷۲ ش تمديد شد. (علم و همکاران، ۱۳۷۱: صص ۷۰،۸۱) به این ترتیب مسئله ی اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسئله نفت تا مدتی خاتمه یافت ولی یک نوع سردی در روابط بین دو کشور ایجاد شد که تا پایان سلطنت رضاشاه ادامه داشت. در این مدت شرکت نفت مجموعاً معادل ۵۰ میلیون لیره به عنوان حق السهم دولت پرداخت نمود که قسمت اعظم آن به صورت اسلحه و مهمات برای ارتش ایران بود و آن هم پس از حمله متفقین به دست خودشان افتاد.

این قرارداد در ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس با مسئولیت محدود منعقد گردید. حوزه قرارداد ۱۰۰/۰۰۰ مایل مربع از ۵۰۰/۰۰۰ مایل مربع قرارداد داری، مدت قرارداد ۶۰ سال، از آغاز ژانویه ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش پرداخت حق الامتیازی معادل چهار شلینگ (طلا) از هر تن نفتی که برای مصرف در داخل ایران به فروش می رسد و یا از ایران صادر می گردد. (یعقوبی نژاد ۱۳۷۳: صص ۳۲۲) مدت انعقاد قرارداد تا سال ۱۹۹۳ م/ ۱۳۷۲ ش بود و حق انحصاری احداث و نگه داری خطوط لوله به حق غیر انحصاری تبدیل شد. (صحفی ۱۳۷۹: صص ۸۶) قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش با آنکه بر حسب ظاهر، عواید ایران را در سال انعقاد دو برابر کرده بود ولی مواد آن طوری تنظیم شده بود که با استفاده از تفسیرهای ناروا و یا تخلف از اجرای مواد آن شرکت نفت موفق شد حقوقی به دولت ایران بپردازد که میزان آن در ۱۸ سالی که از اجرای آن قرارداد می گذرد نصف عوایدی می گردد که در صورت اجرای قرارداد داری و با توجه به عدم معافیت شرکت از پرداخت مالیات بر درآمد عاید کشور ایران می شد.

قرارداد نوعی تنظیم شده که در صورتی که اجرای آن ادامه می یافت مواد و تفسیر های دیگری که به ضرر ملت ایران بود و شرکت سابق نفت می توانست به استناد آن ها بدبختی های دیگری برای ما فراهم آورد ، در آن وجود داشت. (ساتن ۱۳۷۲: ص ۴۵۸) رضاخان ماموریت خود را به خوبی انجام داد و با ایجاد صحنه های ساختگی ابتدا قرارداد داری را لغو نمود و سپس مطابق با قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش به دستگیری تقی زاده و چند نفر دیگر قرارداد جدید را (که مشهور به قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش شد) منعقد نمود و با این عمل خود بزرگ ترین خدمت را به استعمار می نماید و بزرگ ترین لطمه را به منافع ایران وارد ساخت ، زیرا مطابق قرارداد داری ، این امتیاز در سال ۱۹۶۱ م/ ۱۳۴۰ ش پایان می یافت و مطابق قسمت آخر فصل چهاردهم امتیاز نامه ی داری بعد از انقضای مدت اعتبار تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت به جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق به دولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچ گونه غرامت از این بابت را نخواهد داشت . مطابق قرارداد داری پس از انقضای مدت قرارداد (سال ۱۹۶۱ م/ ۱۳۴۰ ش) کلیه تاسیسات شرکت که میلیون ها دلار قیمت داشت به ایران تعلق می گرفت ولی رضاخان با انعقاد قرارداد جدید مانع تحقق چنین امری شد علاوه بر این رضاخان با افزودن ۳۲ سال به مدت قرارداد صدها میلیارد دلار به ایران ضرر زد و بدین ترتیب روی خاندان قاجاریه را سفید کرد. (مکی ۱۳۷۴: ص ۳۵۷)

نتیجه

در مجموع با توجه به آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که رضاخان و شرکت نفت ایران و انگلیس در مورد تمدید قرارداد داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش قبلاً با هم کنار آمده بودند و مخالفت اولیه رضاخان با تمدید قرارداد داری و انداختن قرارداد داری در آتش و همه ی اینها یک حرکت ساختگی و نمایشی بوده از سوی رضاخان برای اغفال اذهان عمومی و برای اینکه به مردم بفهماند که دست نشانده ی انگلیسی ها نیست و از آنها فرمان نمی برده، بوده است. در نهایت دست نشاندگی رضاخان و ترس و هراس او از انگلستان و ترس از ارجاع پرونده ی ایران در مورد قرارداد به جامعه ملل و ترس از حمله ی نظامی انگلستان به ایران و جدا نمودن خوزستان از ایران به وسیله انگلیسی ها و تهدیدات سرجان کدمن را که تهدید نموده بود به زودی تهران را ترک خواهد کرد و عواقب این ترک نمودن تهران به وسیله سرجان کدمن و ترس از

سقوط سلسله ی پهلوی به وسیله ی انگلستان و همه ی اینها باعث ترس رضاخان گردیده، موجب گردید تا رضاخان قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش را بدون نظر خواستن از اطرافیانش بپذیرد و امضا نماید و بزرگترین ضربه را به منافع ملت ایران و بزرگترین خدمت را به استعمار انگلستان بنماید.

منابع و مراجع

- ۱- ابراهامیان ، پرواند . (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب - درآمدی بر جامعه شناسی ایران معاصر ، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولی لای ، تهران ، نشر نی.
- ۲- امینی، علیرضا. (۱۳۸۱). تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی، صدای معاصر، تهران .
- ۳- تقی زاده انصاری، محمد. (۱۳۷۹). سیاست خارجی و توسعه صادرات مواد معدنی در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۴- ج ، بمبرگ. (بی تا). تاریخچه شرکت بریتیش ، بی جا ، بی نا .
- ۵- ذوقی ، ایرج . (۱۳۷۰). مسائل سیاسی - اقتصادی ایران ، تهران ، انتشارات پازنگ .
- ۶- راسخی لنگرودی ، احمد. (بی تا). موج نفت (تاریخ نفت از امتیاز تا قرارداد)، تهران ، انتشارات اطلاعات .
- ۷- روحانی، فواد. (، ۱۳۵۲). تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران ، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۸- زرگر ، علی اصغر . (۱۳۷۲). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره ی رضاشاه ، ترجمه کاوه بیات، تهران ، انتشارات پروین ؛ انتشارات معین.
- ۹- ساتن ، الول. (۱۳۷۲). نفت ایران ، ترجمه دکتر رضا رئیسی طوسی ، تهران ، انتشارات صابرین.
- ۱۰- شوادران ، بنجامین . (۱۳۵۴). خاورمیانه نفت و قدرتهای بزرگ ، ترجمه عبدالحسین شریفیان ، تهران ، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۱۱- شیخ الاسلامی ، جواد. (۱۳۷۹). صعود و سقوط تیمورتاش ، به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس ، انتشارات توس ، تهران .
- ۱۲- صحفی ، سید محمد. (۱۳۷۹). کالبد شکافی سرمایه گذاری صنعت نفت (قرارداد بیع متقابل) تهران ، انتشارات کویر.
- ۱۳- عاقلی ، باقر. (۱۳۷۷). رضاشاه و قشون متحد الشکل ، نشر نامک ، تهران.

- ۱۴- علم ، مصطفی. (۱۳۷۱). نفت قدرت و اصول ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن ، ترجمه غلام حسین صالحیار ، انتشارات اطلاعات ، تهران.
- ۱۵- فاتح ، مصطفی. (۱۳۸۴). ، پنجاه سال نفت ایران ، نشر علم ، تهران .
- ۱۶- فرمانفرمائیان، منوچهر. (۱۳۷۳). از تهران تا کاراکاس نفت و سیاست در ایران، نشر تاریخ ایران ، تهران.
- ۱۷- فرشادگهر ، ناصر. (۱۳۸۱). سیری در قراردادهای نفتی در ایران ، ناشر پژوهشکده اموراتصادی ، تهران .
- ۱۸- کاتوزیان ، محمدعلی. (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی ، ترجمه محمدرضانفیزی و کامبیز عزیزی ، نشر مرکز ، تهران.
- ۱۹- لسانی ، ابوالفضل . (۱۳۵۷). طلای سیاه ، بلای ایران ، انتشارات امیرکبیر ، تهران.
- ۲۰- نجاتی، غلامرضا(۱۳۶۴). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، انتشار، تهران.
- ۲۱- میرترابی، سعید. (۱۳۸۴). مسائل نفت ایران، قومس، تهران.
- ۲۲- مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳- مکی ، حسین . (۱۳۵۷). نفت و نطق مکی (جریان مذاکرات نفت در مجلس پانزدهم درباره ی قرارداد ایران و انگلیس) انتشارات امیرکبیر ، تهران .
- ۲۴- مکی ، حسین . (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ی ایران ، جلد پنجم ، انتشارات علمی، تهران .
- ۲۵- مهدی قلی ، هدایت. (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات ، توشه ای از ... وگوشه ای از دوره ی زندگی من ، زوار ، تهران .
- ۲۶- نفت در دوره رضاشاه ، قرارداد ۱۹۳۳ ، اداره کل آرشیو اسناد و موزه ی دفتر ریاست جمهوری ، تهران ۱۳۷۸.
- ۲۷- هوشنگ مهدوی ، عبدالرضا. (۱۳۵۵). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم ۱۵۰۰-۱۹۵۴ ، چاپ دوم ، انتشارات امیر کبیر ، تهران.
- ۲۸- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۷۲). تاریخ روابط خارجی در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، وزارت امور خارجه، تهران.

۲۹- وزیرى ، شاه‌رخ. (۱۳۸۰). نفت و قدرت در ایران (از قنات تا لوله نفت) ، انتشارات عطایی ، تهران.

۳۰- یعقوبى نژاد ، على. (۱۳۷۳). رئیس نفت ، ناشر یادواره کتاب ، تهران .